

تنوع فرهنگی زیر سقف یک ملت

خوانش وفاق به مثابه «روش» یا «منش»؟



دکتر مرتضی نظری

نویسنده و مدرس
مهارت‌های نرم

است که از یک‌سری اصول بنیادین غافل نشویم؛ اصولی که قبل از وفاق باید از آنها اطمینان خاطر پیدا کرد. از جمله اینکه؛ آیا عاملیت شهروند ایرانی و بعد از آن حقوق اساسی و سپس انتخاب‌های آزادش به رسمیت شناخته شده است؟ آیا تنوع فرهنگی زیر سقف یک ملت به رسمیت شناخته شده است؟ آیا حق عادلانه مشارکت در اداره امور و پاسخگویی در برابر ذینفعان دیده شده است؟ آیا دسترسی برابر به امکانات و فرصت‌ها برای همه ایرانیان وجود دارد؟ به فرض مثبت بودن پاسخ این پرسش‌ها، وفاق می‌تواند بُرندگی لازم و امکان تجمیع‌کنندگی ایرانیان را برای یک همزیستی اجتماعی داشته باشد.

موقعیت پهنه تمدنی ایران از زمان حکومت ایلام در شوش و قبل‌تر تاکنون محل تنازع و فراز و فرودهای پی‌در پی بوده اما آنچه امروز از مدنیت ایرانی از رهگذر تاریخ چند هزار ساله بر جای مانده در سایه رفق و مدارا و وفاق بوده است. اینکه بیگانگان خونریز و غارت‌های کوچک و بزرگ، سازه‌های تمدنی را در ایران بارها ویران کردند اما دست آخر مهاجمان خونریز به زبان فارسی شعر می‌گفتند و از ادب و فرهنگ ایرانی متأثر شده‌اند، چیزی نبوده جز قدرت درونی روح ایرانی که سویی‌های خشن و افراطی را در خود حل و هضم کرده است. الگوی وفاق با خوانش تاریخی نه صرفاً به مثابه یک «روش» بلکه به منزله یک «منش» در سبک زندگی فردی و اجتماعی ما ایرانیان عمل کرده است.

◀ پذیرش دیگری

وفاق در کارکرد تاریخی و تمدنی سخت‌ترین مجموعه‌های فرهنگی علیه ایران را در خود هضم و با خود همسو کرده است اما در شرایط امروز جامعه ایران که اعتماد و سرمایه اجتماعی رو به نزول گذاشته به سختی می‌تواند بدون تمهید مقدمات و الزاماتی مانند به رسمیت شناختن تنوع و تفاوت‌های نسلی و فرهنگی و امکان انتخاب‌های آزاد و دسترسی‌های عادلانه و برابر همگان به فرصت‌ها و امکانات بتواند به همگرایی عمومی بینجامد. وفاق قبل از یک «روش» باید به مثابه یک «منش» باشد؛ وفاق در منش چیزی نیست جز افزایش پذیرش «دیگری».

نمی‌تواند در عین باقی ماندن سوزده‌های ضد وفاق، راه به جایی ببرد.

◀ حق عادلانه مشارکت در اداره

کشور

در چنین شرایطی، تصور اینکه وفاق چتری باشد که همه را از مخالف تا موافق زیر یک سقف گرد آورد یا نخ تسبیحی باشد بین دانه‌های رنگارنگ تسبیح، خوش‌بینی کاذب به نظر می‌رسد. وفاق با نگاه استراتژی‌ای برای حکمرانی هم با همین چالش دست به گریبان است. این نکته‌ها از این باب

◀ «قدرت تجمیع» اصل ضروری

برای وفاق با جامعه

اما آیا در شرایط جدید، وفاق می‌تواند کارویژه‌های سابق را داشته باشد؟ آیا وفاق با فرض توان تجمیع‌کنندگی در برابر هویت دیجیتالی و شبکه‌ای عصر جدید، می‌تواند هویت فرهنگی ایران را بر سکوی بالاتری قرار دهد؟ آیا در شرایطی که اعتماد و سرمایه اجتماعی روند نزولی پیدا کرده، ایده یا روش وفاق از توان تجمیع‌کنندگی در جامعه برخوردار است؟ نتیجه‌بخش بودن ایده وفاق چه در کارکرد تاریخی و چه در نقش‌گفتمانی یا کارکرد سیاسی برای یک دولت، بدون تمرکز بر عناصر و مؤلفه‌های قوام‌بخش، محل تردید است. ایده و الگوی وفاق